



انجمن مدیران صنایع

پیشنهاداتی برای رییس دولت چهاردهم در حوزه فضای کسب و کار

پیشنهاداتی برای رئیس دولت چهاردهم در حوزه فضای کسب و کار

فهرست مطالب:

عنوان	شماره صفحه
مقدمه :	۱.....
۱- پایبندی به پارادایم های فناورانه اداری در انتخاب وزرا و سایر کارگزاران	۲.....
۲- تدوین و ابلاغ استراتژی توسعه صنعتی	۲.....
۳- تعریف رابطه معنادار بین دولت و تشکل های تخصصی	۳.....
۴- تعیین تکلیف وضعیت عضویت ایران در FATF	۴.....
۵- تنظیم مقررات دقیق در خصوص قرارداد های فیما بین بخش خصوصی با دولت و شرکتهای دولتی	۴.....
۶- تک نرخی کردن ارز و پای بندی کامل به عدم قیمت گذاری در کالاهای بازاری	۵.....
۷- حل معضل انرژی با اتکا به روندهای جهانی مبتنی بر انرژی های تجدید پذیر	۵.....
۸- لغو یخشنامه های مخل تولید	۷.....
۹- شفافسازی فعالیتهای اقتصادی شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی اقتصادی از طریق بورس	۸.....
۱۰- ارتقا جایگاه سازمان برنامه بودجه و ضرورت استقلال بانک مرکزی	۹.....
۱۱- تعیین تکلیف نهادهای متعدد قانونگذاری (نهادهای شورایی)	۱۰.....
۱۲- اصلاح فرآیند ذینفع واحد، یک معضل کلیدی در نظام بانکی کشور	۱۱.....
۱۳- تعیین تکلیف جایگاه بنگاههای اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی و مذهبی	۱۲.....

مقدمه :

فضای کسب و کار مناسب ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی و سیاسی در هر کشوری می‌تواند به نتایج مثبت اقتصادی از قبیل رشد پایدار اقتصادی و توسعه صنعتی و رشد صادرات منجر شود. در این خصوص شاخص‌های متخلفی توسط نهادهای بین‌المللی برای تعریف و تبیین این فضا مشخص شده است که ابتدایی‌ترین آنها را می‌توان موارد زیر نام برد :

- شروع کسب و کار (فرآیند ثبت شرکت)
- اخذ مجوزهای ساخت و ساز (تمامی فرآیندهای لازم از اخذ مجوز تا تاسیس و راه اندازی یک کارگاه)
- دسترسی به انرژی
- ثبت مالکیت (فرآیندهای لازم جهت ثبت دارایی در دفاتر اسناد رسمی)
- اخذ اعتبار
- امنیت و حمایت از سرمایه گذاران
- پرداخت مالیات
- تجارت فرامرزی
- الزام آور بودن اجرای قراردادها
- رفع مشکل ورشکستگی و عدم پرداخت دیون

شواهد نشان می‌دهد که وضعیت این شاخص‌ها در ایران با افت و خیزهایی در دوره‌های مختلف امروزه به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم در بدترین وضعیت خود قرار دارند که نشان می‌دهد این فضای کسب و کار در ایران علیرغم تایید و تکذیب‌های دوره‌ای بیشتر از سایر کشورها تحت تاثیر عوامل سیاسی داخلی و فضای تعاملات بین‌المللی است. حال با تشکیل زودهنگام دولت چهاردهم باز این سوال پیش آمده است این دولت برای بهبود فضای کسب و کار صرف نظر از اجرایی کردن قوانین مستقر از جمله برنامه هفتم چه اولویتهایی را در کوتاه مدت در دستور قرار خواهد داد تا بتواند با اجرای آن امکان دستیابی به رشد ۸ درصدی اقتصادی^۱ رشد ۸.۵ درصدی بخش صنعت و رشد ۲۳ درصدی صادرات غیر نفتی در برنامه یاد شده فراهم آید.

دامنه برنامه‌های دولت میتواند از انجام اقدامات فوری برای مشکلاتی که با اقدامات و دستورات به نهادهای اجرایی قابل حل است تا انجام اقدامات لازم برای تشویق سرمایه‌گذاری و جلب سرمایه‌گذاران خارجی گسترده باشد. اعلام اولویتهای اقتصادی دولت چهاردهم میتواند قطب نمای اقدامات بعدی دستگاه‌های اجرایی باشد. تجربه دولتهای گذشته و اعلام اولویتهای اقتصادی مانند طرح تعدیل اقتصادی در دولت سازندگی، طرح سازماندهی اقتصادی دولت اصلاحات و طرح هدفمندسازی دولت عدالت محور و نشان داده است اولویتهای اعلامی دولتها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و

همین اولویتها در عمل سرلوحه اقدامات و تصمیمات آینده دولت در ارائه برنامه های توسعه ای، بودجه های سنواتی و سایر مقررات توسعه ای خواهد بود. لذا انجمن مدیران صنایع نیز در نظر دارد با توجه به بیش از ۴ دهه تجربه خود در تعامل با دولتها جهت ارایه پیشنهادهای راهگشا در این حوزه پیشاپیش آمادگی خود را جهت تحقق این خواسته ها اعلام دارد این خواسته ها که به شرح زیر اعلام میشود با توجه به شعارهای اعلامی رییس جمهور محترم جناب آقای دکتر پزشکیان و برنامه هفتم ابلاغی و میزان امکان پذیری آن در کوتاه مدت به شرح زیر ارایه شده است.

۱- پابندی به پارادایم های فناوریانه اداری در انتخاب وزرا و سایر کارگزاران

شاخص های کلیدی در انتخاب وزرا همانند صداقت، شجاعت، قانونمداری و همراهی با ارزش های اعلامی رئیس جمهور منتخب، سوابق علمی و اجرایی و... خوشبختانه توسط کمیته های منتخب ایشان تعیین و ابلاغ شده است ولی به ظاهر چند نکته در این میان مغفول مانده است و آن نوع نگاه و اعتقاد ملی آنها به بهره گیری از پتانسیل های تشکلهای تخصصی، تسلط آنها به کلان روندها و پارادایم های ملی و جهانی در بخش های مختلف است که به برخی از این مهارتها اشاره می شود چه اینکه عدم توجه به این شاخص می تواند نظام اداری را در مقابل کلان روندها قرار داده و مستهلک نماید:

- توانایی وزرا در تلفیق تکنولوژی و نظام بروکراسی و مقررات موجود
- انعطاف پذیری در مورد تحولات سرمایه گذاری های تکنولوژیک محور در لایه های مختلف
- تسلط به نحوه بهره گیری از رسانه های ترکیبی برای انعکاس عملکرد سازمان متبوعه
- مدیریت الگوی رفتاری نظام اداری منطبق با تکنولوژی هوش مصنوعی و هدایت وزارتخانه یا سازمان تحت پوشش خود به سمت نظام اداری هوشمند
- حفظ و جذب نیروهای خلاق و منعطف برای تغییرات تکنولوژیک جهت هدایت محیط در حال تحول کسب و کارها و ایجاد سازگاری بین حفظ نیروی کارآمد مجرب و جذب نیروی انسانی همراستا با تحولات تکنولوژیک
- اعتقاد عملی به الگوی آموزشی جهت دهنده در نظام سازمانی
- اعتقاد عملی به اشتراک گذاری دستاوردهای درون سازمانی جهت برون رفت از انحصار داده ای
- اعتقاد عملی به پایداری زیست محیطی در عرصه مدیریتی خود

۲- تدوین و ابلاغ استراتژی توسعه صنعتی

یکی از اولین خواسته های این انجمن تدوین و ابلاغ سند استراتژی توسعه صنعتی است. بیش از ۴۰ سال است که بر ضرورت داشتن یک سند و یا استراتژی برای توسعه صنعتی ایران تاکید می شود و علی رغم مطالعات گسترده در این

چهار دهه تدوین این سند راهبردی و اجرای آن هیچ‌گاه به ثمر ننشسته است. نبود این سند به عدم انسجام سیاستی منجر می‌شود و فقدان انسجام سیاستی موجب می‌شود تا در عمل اولویت بندی های مختلفی از سوی دستگاه ها اعمال شود و تقسیم منابع حمایتی میان اولویت‌های پراکنده و متعدد و در نهایت عدم حمایت موثر انجام شود، «به طور مثال در بودجه سال ۱۴۰۱، بیش از ۱۷۵ هزار میلیارد ریال صرف حمایت از پژوهش‌های توسعه‌ای و کاربردی شده است، این میزان هزینه می‌توانست به بهبود کیفیت تولیدات و رشد بهره‌وری منجر شود، اما به واسطه تکثیر اولویت‌ها اثرگذاری لازم را نداشته است. یکی از عواملی که انسجام سیاستگذاری صنعتی را دشوار میکند تعدد سازمان‌ها و نهادهای درگیر اعمال سیاست‌های صنعتی است و حداقل ۵۰ سازمان و نهاد (که برخی بیش از ۱۰۰ واحد زیرمجموعه دارند) درگیر اجرای سیاست‌های مختلف صنعتی هستند. هر کدام از این سازمانها و نهادها درگیر اعمال یکی از خط‌مشی‌های صنعتی هستند که هماهنگی مناسبی با سایر سیاستها ندارد» انجمن مدیران صنایع نیز مطالعات زیادی را از زمان تاسیس خود در این زمینه انجام داده است و آمادگی خود را جهت همکاری در تحقق این امر مهم اعلام می‌دارد.

۳- تعریف رابطه معنادار بین دولت و شکل‌های تخصصی

بر اساس تجربه جهانی بدون همراهی تشکلهای تخصصی و نهادهای مدنی موفقیت دولت‌ها در حوزه‌های مرتبط غیر ممکن است در ایران نیز سالیان زیادی است که نقش تشکلهای اقتصادی به عنوان اصلی انکارناپذیر پذیرفته شده است و قوانین مختلفی برای افزایش کارایی و تبیین جایگاه تشکلهای تدوین شده و تشکلهای بزرگی همچون اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، اتاق تعاون، شورای اصناف و... هر یک به عنوان نماینده بخشی بزرگی از فعالان اقتصادی در کنار دولت و مردم به ایفای نقش پرداخته‌اند. بنابراین انجمن‌های کسب‌وکار باید به عنوان صدای بخش خصوصی شناخته شوند. حاکمیت و دولت می‌بایست بپذیرند که مشارکت‌دادن تشکلهای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها اقدامی ناگزیر و لازم است که سود آن می‌تواند در آینده کشور به خوبی قابل لمس باشد و حوزه‌هایی مانند قیمت‌گذاری، تنظیم بازار، تنظیم سیاست‌های مالی و ... از این تشکلهای نظرخواهی یا به آنها تفویض اختیار شود. لذا یکی دیگر از خواسته‌های اصلی این انجمن تعریف جایگاه نظام‌مند فراتر از روابط اداری صوری و درخور، برای تشکلهای از طرف دولت جهت ایفای نقش خود در توسعه صنعتی و اقتصاد کشور است تا علاوه بر ارتقای جایگاه تشکلهای برای همراهی دولت چهاردهم جلوی تکرار آن دسته از اقداماتی که از طرف دولت در سال گذشته در مورد انتخابات اتاق ایران اعمال شد و عملاً این نهاد کلیدی را از حیز انتفاع ساقط کرد با استقرار دولت چهاردهم به طور کامل متوقف شود.

۴- تعیین تکلیف وضعیت عضویت ایران در FATF

مقررات FATF و محدودیتهای تبادلات مالی ایران با کشورهای طرف تجاری، منجر به محدودیت دسترسی به تبادلات ارزی شده است و لذا اصلی ترین محدودیت مبادلات تجاری و عرضه ارز و افزایش نرخ آن است. همانطوریکه خود رئیس جمهور محترم نیز در شعارهای انتخاباتی بارها و بارها به درستی اشاره کرده اند بدون حل این معضل همه تلاش ها دست و پا زدن بدون نتیجه در قفس است

برای کاهش هزینه مبادله مربوط به این وضعیت تعیین تکلیف مربوط به عضویت ایران در FATF الزامی است. لذا اصلی ترین درخواست این تشکل دیرینه رفع این معضل به هر طریق ممکن است چه اینکه بدون پیوستن به نظام مالی بین المللی هیچ گونه راه حل پایداری برای مشکلات اقتصادی متصور نیست.

۵- تنظیم مقررات دقیق در خصوص قراردادهای فیما بین بخش خصوصی با دولت و شرکتهای

دولتی

یکی از مسایل بحرانی قراردادهای فیما بین بخش خصوصی و و شرکتهای دولتی و بخش خصوصی موضوعات قراردادها است «بررسی ۱۳۶ قرارداد دولتی نشان داده است که ۵۴٪ آنها دارای ایراداتی در زمان انعقاد قرارداد بوده و ۲۷٪ آنها دچار اجرای ناقص، یعنی در مرحله بهره برداری بوده اند و تنها ۱۶٪ آنها فاقد اشکال می باشند»

ارزیابی نادرست اولیه در پیمانها؛ عدم تخصیص اعتبار صحیح؛ تعارض میان اسناد مناقصه و قراردادها؛ عدم پیش بینی مقررات یا قواعد مرتبط با تغییرات احتمالی مانند تغییر قوانین و آیین نامه ها؛ عدم اهمیت به اراده بخش خصوصی؛ عدم دقت کافی در احراز صلاحیت پیمانکاران؛ کمبود نقدینگی و عدم پرداخت به پیمانکاران؛ مجزا بودن بخش خرید و بخش مهندسی و اجرا؛ مرحله نظارت بر پروژه ها و فسخ ناموجه پیمانها؛ از جمله این مشکلات در قراردادهاست و در کنار اینها به دلیل نااطمینانی فضای اقتصادی ناشی از تغییرات مداوم نرخ ارز و نرخ تورم در عمل بودجه های پیش شده منطبق بر واقعیتهای اقتصادی نیست و این موضوع عملاً نظام مدیریت مالی هر پروژه تعریف شده مابین دولت و بخش خصوصی را دچار دگرگونی اساسی می کند و قراردادهای فی مابین را از ضمانت اجرا ساقط می کند. جهت حل این معضل، دولت نرخ ارز رسمی را مبنای مبادله قراردادها قرار می دهد که آن هم به دلیل فاصله حداقل ۳۰ درصدی با بازار امکان پوشش هزینه های تمام شده قراردادها را ندارد. تبعات این نوع قراردادها پروژه های ناتمام، مطالبات پیمانکاران از دولت، قراردادهای باز، ضمانت نامه های بلوکه شده طرف قراردادهای دولت، عدم امکان اخذ ضمانت نامه ها توسط بخش خصوصی و قفل شدگی نظام مالی بخش خصوصی است که در عمل باعث می شود هیچ نوع تقاضایی هم برای تولید شکل نگیرد و موجب ورشکستگی پی در پی بخش تولید شود، این در حالی است که اندک پیشرفتی هم که در پروژه ها نیز با هزینه های سرسام آور حاصل می شود بازگشت دیر هنگام طی زمان طولانی ارزش خود را از دست می دهد. لذا یکی دیگر از تقاضاهای



انجمن این است که در کنار مدیریت نرخ‌های اصلی مانند نرخ تورم جهت کاهش هزینه تمام شده با همکاری قوه قضاییه و سازمان برنامه بودجه و شرکت‌های کارفرمایی نسبت به تدوین چارچوب‌های تنظیم‌گری جهت رفع اختلافات قراردادهای نحوه تعدیل؛ تسویه به موقع قراردادهای تسهیل فرآیندهای بیمه و تامین اجتماعی و آزادسازی به موقع ضمانت‌نامه‌ها برای رفع قفل‌شدگی مالی بخش خصوصی اقدام نماید و در کنار آن اجرای کامل تبصره بند ۴ ماده ۴ در خصوص تسویه الکترونیکی قراردادهای و بند ج ماده ۱۱۳ برنامه هفتم در خصوص قراردادهای صلح را در اولویت قرار دهد.

۶- تک‌نرخ‌کردن ارز و پای‌بندی کامل به عدم قیمت‌گذاری در کالاهای بازاری

همانطوری که در صحبت‌های خود رییس جمهور محترم هم بارها تاکید شده است ارز چند نرخ با قیمت غیرواقعی منشأ و مبدأ فساد و رانت است. قیمت‌گذاری مواد اولیه حوزه فولاد، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی بر اساس این نرخ‌ها به ویژه در بورس کالا در طول سالیان گذشته نتیجه‌ای جز توزیع رانت و فرار مالیاتی به دنبال نداشته است و ما تولیدکنندگان تأکیداً تقاضا داریم تا مبنای قیمت‌های مواد اولیه و محصولات حاصل از آن فقط از طریق مکانیسم بازار تعیین شود و موضوع توزیع درآمدی از طریق نهادهای حاکمیتی از جمله سازمان امور مالیاتی انجام شود. در این بسترهاست که قیمت‌ها علامت‌دهنده اصلی سرمایه‌گذاری‌ها خواهد شد و سرمایه‌ها به بهره‌ورترین بخش سوق پیدا خواهد کرد. لذا همانطور که ایشان در مناظره‌ها هم بارها اعلام کردند با اتکا به تجارب موفق جهانی این نوع سیاست‌گذاری را برای یکبار به مرحله اجرا در بیاورند که هم باعث حذف رانت، هم باعث تسهیل تجارت و هم باعث افزایش صادرات در کالاهای دارای مزیت و بازگشت به موقع ارز و لغو بخشنامه‌های مکرر فسادزا خواهد شد و هم سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را وارد عرصه شفاف سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

۷- حل معضل انرژی با اتکا به روندهای جهانی مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر

۷۵ درصد از سبد انرژی کشور به گاز طبیعی اختصاص دارد. در حال حاضر میزان تولید گاز طبیعی در کشور ۲۵۷ میلیارد متر مکعب در سال (سهم ۶/۴ درصدی ایران از کل تولید دنیا) است؛ در حالی که مصرف ۲۴۱ میلیارد متر مکعب گاز در سال، سهم ۶ درصدی از کل مصرف دنیا را به ایران اختصاص داده است. عدم تحقق ظرفیت‌های پیش‌بینی شده برای تولید گاز طبیعی در کشور، خصوصاً در میدان گازی پارس جنوبی، باعث کمبود تولید گاز در کشور شده است. بر اساس روند مشاهده شده در سالهای اخیر، پیش‌بینی می‌شود ناترازی برق در سال آینده به ۲۴۰۰۰ مگاوات برسد. جدول زیر نشان دهنده سهم انواع نیروگاهها در تولید ۹۳،۰۰۰ مگاوات برق در کشور است.

نوع نیروگاه	حرارتی	برقایی	تولید پراکنده (DG)	تجدیدپذیر	اتمی	دیزل	مجموع
ظرفیت (مگاوات)	۷۵،۷۶۷	۱۲،۱۴۴	۲،۴۸۵	۱،۱۸۶	۱،۰۲۰	۴۰۸	۹۳،۰۱۰

۱۰۰٪	۰.۴٪	۱.۱٪	۱.۳٪	۲.۷٪	۱۳.۱٪	۸۱.۵٪	درصد از کل
------	------	------	------	------	-------	-------	------------

عدم تنوع در پرتفوی انرژی کشور به خصوص سهم بسیار ناچیز انرژیهای تجدیدپذیر (حدود یک درصد!) در این سبد، مشکلات عدیده ای را در راستای تأمین انرژی در کشور ایجاد نموده است. با وجود حکم قانونی برنامه ششم توسعه مبنی بر سهم ۵ درصدی توان تولید برق تجدیدپذیر، همان گونه که اشاره شد، تنها یک درصد توان اسمی نیروگاههای برق کشور مرتبط با انرژیهای تجدیدپذیر است. مجموع ظرفیت انرژیهای تجدیدپذیر برای تولید برق در کشور حدود ۱۲۴ گیگاوات برآورد شده است. انرژی خورشیدی با ۷۱ گیگاوات و بادی با ۴۹ گیگاوات بیش از ۹۷ درصد از کل پتانسیل موجود کشور در این حوزه را به خود اختصاص می دهند و به همین دلیل بایستی در اولویت قرار گیرند.

کشور ایران دارای پتانسیل بسیار کم نظیری در عرصه انواع شکل های انرژی تجدیدپذیر علی الخصوص انرژیهای بادی و خورشیدی است. وجود بزرگترین تونل بادی جهان در ایران و در تونل بادی شرق کشور یکی از جلوه های این پتانسیل خدادادی است.

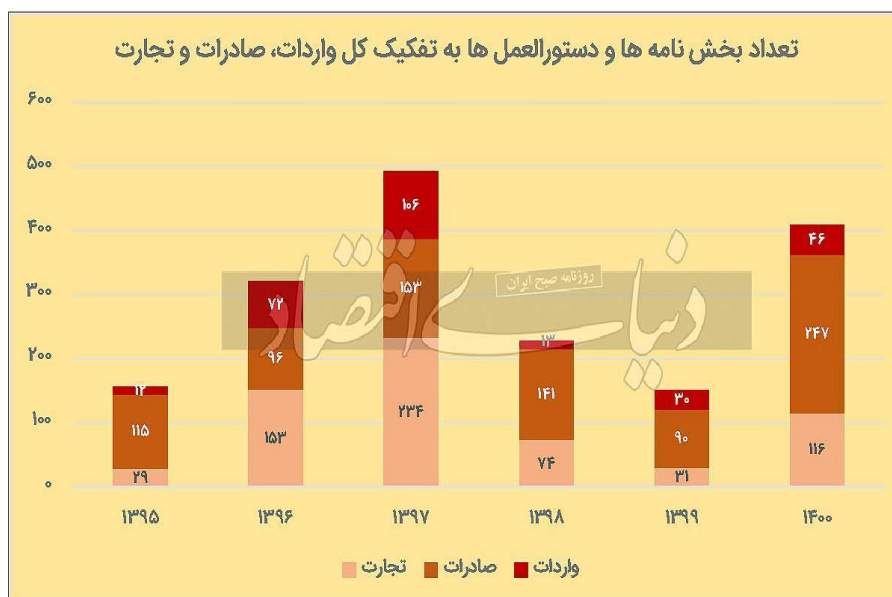
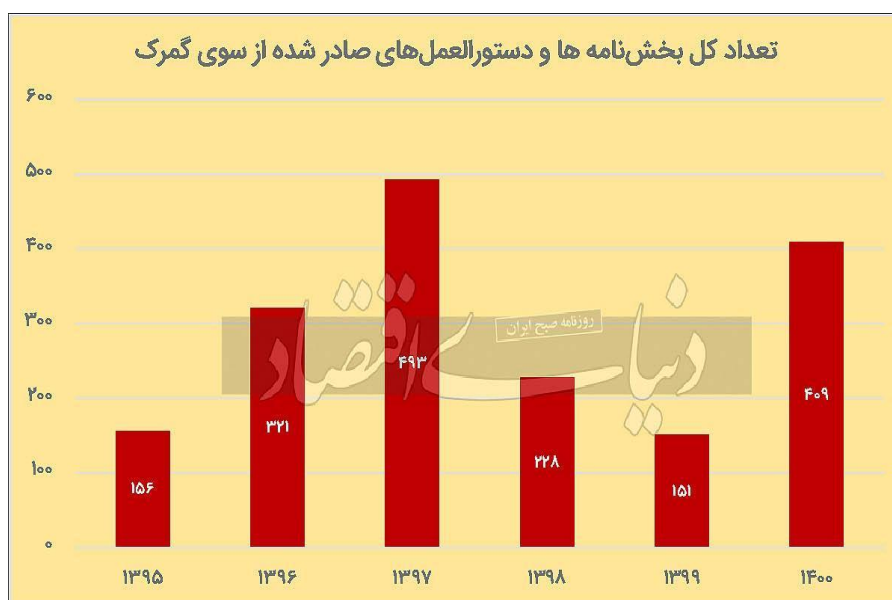
توسعه انرژیهای تجدیدپذیر موضوعی است که در دنیا مورد توجه است؛ اما در کشور ما به رغم وجود الزامات قانونی، به دلیل نبود امنیت سرمایه گذاری در صنعت برق، همچنین کمبود منابع برای توسعه این انرژیها در بخش دولتی، شاهد روند کند در این زمینه بوده ایم. با این وجود در سال گذشته با راه اندازی تابلوی سبز در بورس انرژی، بخشی از امنیت سرمایه گذاری در این بخش تأمین شده است.

لذا انتظار می رود دولت محترم با تکیه بر این پتانسیل و با استفاده از تجارب جهانی زمینه سازی توسعه هر چه سریعتر انرژیهای تجدیدپذیر را در کشور که اتفاقاً مورد تأکید رییس جمهور محترم هم هست، فراهم نماید لازم به ذکر است که ایجاد نیروگاههای بادی در مناطقی مانند خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان خود صرفه های خارجی زیادی نیز در این مناطق در بر خواهد داشت. در این راستا لازم است به موارد زیر توجه ویژه ای مبذول گردد:

- تضمین در تسویه بازپرداخت سرمایه گذاریهای انجام شده موضوع ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید
- فراهم نمودن امکان صادرات انرژی تجدیدپذیر در ساعات غیر اوج مصرف
- با توجه به ماده (۱۰) قانون مانع زدایی از توسعه صنعت برق پیشنهاد می شود تا با حذف تدریجی قیمت گذاری در زنجیره تولید تا مصرف برق و ارائه یارانه مستقیم به جامعه هدف، علاوه بر تشویق به بهره ور شدن زنجیره تولید، تولید برق تجدیدپذیر، رقابتی شود.
- الزام مشترکان اداری به تأمین برق از منابع تجدیدپذیر (مشابه ماده (۱۶) قانون جهش تولید دانش بنیان مبنی بر تأمین ۵ درصد برق صنایع از محل انرژی تجدیدپذیر)
- رفع موانع جهت تشویق سرمایه گذاران داخلی و خارجی از طریق تسهیل فرآیندهای مناقصات و امکان ارائه ضمانت معتبر جهت تضمین سرمایه این سرمایه گذاران

۸- لغو یخشنامه های مغل تولید

بر اساس مطالعات اتاق ایران در بازه زمانی سال های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ حدود ۱۷۵۸ یخشنامه و دستورالعمل گمرکی ابلاغ شده است البته این وضعیت در سالهای اخیر نیز ادامه داشته است. این نوع یخشنامه ها به طور طبیعی قدرت پیش بینی فعالان اقتصادی را از بین برده و نظام تولید را نیز درگیر مشکلات مختلف می کند. بر اساس همین گزارش ۴۸ درصد از یخشنامه های ابلاغی مربوط به صادرات و ۳۶ درصد مربوط به واردات و ۱۶ درصد مرتبط با هر دو حوزه بوده است. ضمن اینکه از میان ۸۴۲ یخشنامه صادر شده در حوزه صادرات، ۶۰۱ مورد ماهیت محدودکنندگی برای صادرکنندگان داشته است. همچنین بررسی این آمار بیانگر آن است که بیشترین یخشنامه ها در سال ۹۷ و همزمان با خروج آمریکا از برجام صادر شده است. که این نیز خود بیانگر آثار تخریبی عدم تعاملات درست بین المللی است.



سیاستگذاران نیز برای خروج از این شرایط بحرانی، برنامه‌ها و اقدامات متعددی را در دستور کار خود قرار دادند و در نتیجه بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های متعددی توسط دستگاه‌های اجرایی صادر شد این موضوع هم نشان می‌دهد که عدم حل مسئله بین المللی در هر صورت می‌تواند به عنوان یک معضل اصلی سایر بخش‌ها را نیز متأثر سازد. اساساً دولت باید با بهبود فضای اقتصاد کلان زمینه صدور بخشنامه‌های پی در پی را از بین ببرد.

۹- شفاف‌سازی فعالیتهای اقتصادی شرکتهای دولتی و نهادهای عمومی اقتصادی از طریق بورس

در شرایط فعلی نهاد بورس به چند دلیل از جمله انتصابات سیاسی مدیران، عدم بهره‌گیری از تکنولوژی جهانی برای ارتقا فناوری ابزارهای معاملاتی و نظارت بر آنها و به روز نبودن قوانین و مقررات حاکم بر آن نه در بعد شفاف سازی و نه در بعد تامین مالی شرکتهای حاضر در بورس به موفقیتی دست پیدا نکرده است لذا در این باره پیشنهاد می‌شود موارد زیر در دستور کار متولیان این نهاد قرار گیرد:

– انتصاب مدیران سازمان بورس و بورس‌ها براساس معیارهای شایسته‌سالاری
– الزامی کردن گزارش‌های مالی و اطلاعات شرکتهای دولتی و شرکت‌های وابسته به نهادهای عمومی به صورت شفاف و منظم

- تقویت نظارت بر عملکرد مدیران و اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها به ویژه دولتی
- ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی عمومی برای دسترسی آسان به اطلاعات شرکت‌ها
- تقویت زیرساخت‌های فناوری بورس با بهره‌گیری از آخرین معیارهای تکنولوژیک
- بازنگری و به‌روزرسانی قوانین و مقررات بازار سرمایه برای تطابق با استانداردهای بین‌المللی
- ایجاد سیستم‌های پیشرفته نظارتی برای رصد و تحلیل فعالیتهای بازار به صورت لحظه‌ای
- افزایش استقلال و توانمندی سازمان بورس و اوراق بهادار در نظارت و کنترل بازار
- ارائه تسهیلات برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی به پروژه‌های مشترک با شرکت‌های داخلی
- توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای دیگر و جذب سرمایه‌گذاری خارجی از طریق توافقات تجاری و مالی.
- همکاری با نهادهای بین‌المللی مالی و سرمایه‌گذاری برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی.
- تنظیم سیاست‌های ارزی برای جذب سرمایه‌های خارجی و تشویق به سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه.
- عرضه محصولات شرکتهای دولتی و عمومی و انجام مناقصات در بورس‌های کالایی
- تامین مالی برای پروژه‌های توسعه صنعت و کشاورزی در قالب سهام پروژه، شرکت پروژه، صندوقهای سرمایه‌گذاری و ...

– ایجاد بازارهای تخصصی برای جذب سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری و نوآوری

- معرفی ابزارهای مالی مرتبط با رمز ارزها
- ایجاد بسترهای قانونی و مالی برای پذیرش و رشد فناوری‌های نوین مرتبط با رمز ارزها.
- تقویت نهادهای نظارتی برای جلوگیری از فعالیت‌های غیرقانونی و کلاهبرداری در بازار رمز ارزها.
- راه‌اندازی بورس ارز و طلا

۱۰- ارتقا جایگاه سازمان برنامه بودجه و ضرورت استقلال بانک مرکزی

یکی از سازمان‌های اصلی که نقش بسزایی در راهبری توسعه و پیشرفت اقتصادی ایران دارد، سازمان برنامه و بودجه است. سازمان برنامه باید بحران‌های کشور، اعم از بی‌کاری، تورم، فقر، فساد و... را رصد و راه‌حل ارائه کند و بر اجرای برنامه‌های دستگاه‌های اجرائی نظارت کند. برخی پژوهش‌ها حکایت از کاهش ضریب تحقق اهداف اقتصادی از برنامه‌های اول تا پنجم توسعه کشور دارد که می‌تواند این فرضیه را شکل بدهد که کارآمدی و اثربخشی نهاد متولی برنامه ریزی در طول زمان رو به کاهش گذاشته است. به عبارت دیگر میزان تحقق اهداف اقتصادی در برنامه‌های توسعه اول، دوم و سوم بالنسبه بالاتر از برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم ارزیابی شده است. از طرف دیگر در زمینه ارزیابی عملکرد نظام برنامه ریزی کشور به اهم یافته‌های دیوان محاسبات کشور در ارزیابی برنامه توسعه ششم هم می‌توان اشاره کرد. رئیس سابق دیوان محاسبات کشور در مراسم رونمایی از گزارش ارزیابی عملکرد برنامه توسعه ششم اعلام کرد که با بررسی کل ۵۲۰ بند و تبصره احکام برنامه، ۳۰ درصد احکام برنامه ششم محقق شده و انحراف در برخی شاخص‌های تدوین شده در برنامه ششم مشهود است. نتایج این گزارش حکایت از آن دارد که هدفگذاری قانون‌گذار در ۳۰ درصد به طور کامل محقق شده، در ۲۲ درصد احکام محقق نشده و در ۴۸ درصد احکام بخشی از آن‌ها محقق شده است. مهمترین دلایل عدم دستیابی حداکثری به اهداف تعیین شده در قانون برنامه ششم توسعه می‌توان به نبود اطلاعات آماری متقن و به روز، عدم برنامه‌ریزی درست، فقدان منابع مالی لازم و متناسب، عدم هماهنگی بین بخشی، عدم تصویب آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سایر مقررات قانونی مرتبط با احکام یادشده، نگاه سیاستگذاری به موضوع به جای تدوین موارد عملگرایی، وجود نگاه آرمانی به برنامه و در نهایت تحریم‌های بین‌المللی و عدم توجه به ظرفیت‌های مشارکتی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد؛ لذا نگاه کارشناسی به ماهیت سازمانی سازمان برنامه بودجه و تاکید بر وظایف تعدیل شده آن براساس الزامات روز در قالب ماده ۵ قانون برنامه و بودجه مصوب سال ۱۳۵۱ ضروری است

۱ - انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه و تهیه گزارش‌های اقتصادی و اجتماعی.

۲ - تهیه برنامه درازمدت با تبادل نظر با دستگاه‌های اجرایی و تسلیم آن به شورای اقتصاد.

۳ - تهیه برنامه توسعه پنجساله طبق فصل چهارم این قانون.

۴ - پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.

۵ - تهیه و تنظیم بودجه کل کشور.

۶ - نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها طبق مفاد فصل نهم این قانون.

۷ - هماهنگ نمودن روشها و برنامه‌های آماری کشور.

۸ - ارزشیابی دارایی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشوری و گزارش آن به رئیس جمهور.

۹ - بررسی گزارشها و مسائلی که باید در شورای اقتصاد مطرح شود.

از طرف دیگر در طول دو دهه اخیر حجم نقدینگی به طور متوسط در حدود ۲۷.۷ درصد رشد داشته که یکی از دلایل افزایش تورم و هزینه های طرف تولید محسوب می شود. معضل رشد بالای نقدینگی، یک چالش ساختاری برای اقتصاد ایران بوده و رشد بالا و پرنوسان این متغیر در تمام دولت های بیست سال گذشته وجود داشته است. به دلیل اینکه اقتصاد ایران در سال های اخیر در معرض شدیدترین تحریمهای مالی و اقتصادی بین‌المللی نیز قرار گرفته است که با کاهش شدید درآمدهای ارزی دولت، بروز نابسامانی در بازار دارایی ها و به تبع آن افزایش محدودیت‌های مالی دولت جهت تأمین مالی کسری بودجه خود از جمله مهمترین عوامل موثر در افزایش رشد نقدینگی در سالهای اخیر بوده است. در همین راستا بخشی از خلق پول بوجود آمده در بانک ها نشأت گرفته از معضلات ساختاری نظام بانکی است که صرفاً با حفظ استقلال بانک مرکزی که در قانون جدید تا حدودی زمینه سازی شده است می توان آن را مهار کرد لذا از جمله خواسته های اصلی فعالین اقتصادی عضو این انجمن عمل به مر قانون در راستای حفظ استقلال بانک مرکزی است تا بانک مرکزی بتواند برای اتخاذ تصمیم در حوزه وظایف خود به تمام ابزارها و اختیارات لازم دسترسی داشته باشد و کسری بودجه دولتها منجر به افزایش حجم نقدینگی و رشد تورم نگردد و بانک مرکزی بتواند با اعمال سیاست‌های لازم، به موقع از رشد شاخص‌های موثر بر تورم جلوگیری کرده و اجازه افزایش تورم را ندهد.

۱۱- تعیین تکلیف نهادهای متعدد قانونگذاری (نهادهای شورای)

فعالیت اقتصادی به هرنوع مکانیسمی که فاقد شفافیت است به شدت واکنش منفی نشان می دهد یکی از این مکانیسم استقرار شورا های مختلف است که اساس تقسیم کار قوا را مختل می کنند یعنی نهادهایی که بدون سابقه قانونگذاری تشکیل شده باشند و ساز و کار تصمیم گیری و نظارت پذیری آنها مبهم باشد. از جمله شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و ستاد تدابیر ویژه مقابله با تحریم و سایر نهادهای مشابه.

به عنوان نمونه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا برای تصمیم‌گیری درباره معضلات اساسی اقتصاد کشور و در خرداد ماه ۱۳۹۷ به منظور مقابله با تصمیم خروج از برجام تشکیل شد و اکنون درباره امور اساسی کشور به جای نهادهایی چون دولت، مجلس شورای اسلامی، بانک مرکزی، شورای عالی امنیت ملی تصمیم‌گیری می‌کند. این شورا در حوزه



های مختلفی تصمیم‌گیری نموده است از جمله اوضاع بانکی، اشتغال و سرمایه‌گذاری، رسیدگی به وضع محرومان و مستضعفان، بودجه و انضباط مالی، حمایت از تولید ملی و کالای ایرانی، چاره‌اندیشی برای هرگونه احتمال در برجام. کلیه این موضوعات می‌تواند در نهادهای و دستگاه‌های موجود و با بررسی‌های کارشناسی اقدام و انجام شود که امکان نظارت و پاسخگویی نیز وجود داشته باشد.

اکیدا پیشنهاد میشود تشکیل نهادهای این‌چنینی در مواقع اضطراری (بر اساس اصل ۷۹ قانون اساسی)، با مسئولیت اداره کشور و تصمیم‌گیری‌ها به قوه مجریه واگذار شود و سایر قوا به نقش‌های اصلی خود بازگردند تا مسئولیت تصمیم‌گیری‌ها و پاسخگویی‌ها در قبال تصمیمات و نیز نظارت بر آنها امکانپذیر باشد.

۱۲- اصلاح فرآیند ذینفع واحد، یک معضل کلیدی در نظام بانکی کشور

از نظر بانکی، روابط نزدیک مدیریتی یا سهامداری بین چند شرکت، یا بین یک بانک و شرکت‌های وابسته و تحت مدیریت آن بانک، «ذی نفع واحد» را محقق می‌سازد و ریسک عملیاتی بانک‌ها را به شدت افزایش می‌دهد طبیعی است که در صنعت بانکداری، پرداخت تسهیلات کلان یا ارائه تعهدات بانکی نظیر ضمانت نامه و اعتبارات اسنادی، مبتنی بر ارزیابی دقیق ریسک عملیاتی بانکی باید باشد. بانک‌ها بر مبنای این قاعده نبایستی به طور بی حساب و کتاب و بدون ارزیابی دقیق میزان ریسک عملیاتی، تسهیلات کلان ارائه دهند و یا تعهدات کلان برعهده بگیرند؛ زیرا بی حساب و کتاب تسهیلات پرداختن و تعهدات مشتریان بانک را برعهده گرفتن در نهایت به افزایش حجم مطالبات معوق و بحران مالی بانک منجر خواهد شد. که اصلی‌ترین نکته در همین زمینه، توجه به تسهیلات تکلیفی و دستوری است که ویژگی ارزیابی ریسک را از بانک‌ها می‌گیرد و آنان را عملاً به صندوق پرداخت تبدیل می‌کند؛

اجرای این سیاست درست، ابتدا باید در خصوص خود بانک‌ها بکار برود در صورتیکه بر عکس بانک‌ها علیه تولید کنندگان به کار می‌گیرند. این شیوه اجرا مشکلات زیادی برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کنند. یکی از مشکلات اجرای این مقرره این است که در صورتی که یک نفر سهامدار دو شرکت باشد، و در یک شرکت چک برگشتی داشته باشد، حساب شرکت دیگر هم بلوکه می‌شود و فعالیت دو مجموعه که با هم ارتباطی غیر از یک سهامدار مشترک دارند؛ متوقف می‌شود که عمده شرکت‌های کشور را با مشکل مواجه کرده و خواهد کرد.

در صورتی که شرکت‌هایی که یک فرد مشترک در آن‌ها سهامدار است در حوزه‌های متفاوتی فعالیت کنند؛ دیگر لزومی ندارد ریسکشان به یکدیگر تسری داده شود. دلیل اش هم این است که، چون این کسب‌وکارها با یکدیگر متفاوت بوده و کالا و خدمات مختلفی را تولید و ارائه می‌کنند؛ ناتوانی در بازپرداخت تسهیلات توسط یکی ربطی به دیگری نداشته و نباید مانع پرداخت تسهیلات و بلوکه کردن حساب آنها شود.

لذا اکیداً تقاضا می‌شود که ابتدا این موضوع به مدت حداقل چند سال صرفاً در خود شرکتهای وابسته بانکها و شرکتهای دولتی و بخش عمومی اعمال شود و پس از ارزیابی‌ها آیین نامه اصلاح و به بخش خصوصی تسری داده شود در صورتی که در شرایط فعلی بانکها نه روی شرکتهای وابسته و دولتی بلکه بیشتر روی بخش خصوصی جاری سازی می‌کنند.

۱۳- تعیین تکلیف جایگاه بنگاههای اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی و مذهبی

یکی از چالش‌های اصلی که در سالهای اخیر در حوزه رقابت اقتصادی خود نمایی می‌کند حضور بنگاههای اقتصادی وابسته به نهادهای نظامی و عمومی مذهبی است. اگرچه وجود تحریم‌ها و به اقتضای آن شرایط حاکم اقتصادی بسته، خود به خود زمینه اصلی حضور چنین نهادهایی را فراهم می‌کند ولی خود دولت نیز با اعمال تمهیدات مختلف در فرایند های کسب و کار از جمله اخذ ضمانت‌های آسان شرکت در مناقصات، جذب نیروی انسانی با بالاترین پرداختی، دسترسی آسان به منابع ارزی به بهانه دور زدن تحریم‌ها، رانت‌های اطلاعاتی و حتی معافیت‌های مالیاتی صرف‌نظر از اعداد و ارقام ضد و نقیض در خصوص میزان حضور شان در اقتصاد این بنگاهها را به فعال مایشا در عرصه اقتصادی تبدیل کرده است. بطوری که اکثر ارجاع کارهای بزرگ صرفاً از طریق این بنگاهها توسط دولت انجام می‌شود و کارآمدترین بنگاههای بخش خصوصی تنها به عنوان یک پیمانکار فرعی این بنگاهها با حداقل سود، جهت ادامه بقا فعالیت می‌کنند و قدرت بنگاههای اقتصادی آستان‌ها تا جایی که پیش رفته است که در اجرای حکم قانونی یک واگذاری قانونی به مدت سه دهه در مقابل قوه قضاییه ایستادگی کرد. لذا اکیداً پیشنهاد می‌شود که دولت محترم چهاردهم ضمن تسهیل فضای کسب و کار بین المللی جهت هدایت این نهادها به وظایف اصلی خود به صورت مرحله ای طی زمانبندی مشخصی از بودجه سال ۱۴۰۴ نسبت به پیش بینی بالاترین رقم بودجه‌ای ممکن برای تقویت بدنه اصلی نیروهای مسلح به عنوان اصلی‌ترین نهاد دفاعی و امنیتی کشور اقدام نماید و همزمان با تفکیک بنگاههای اقتصادی صرف از اندک بنگاههای تولید کننده تجهیزات امنیتی برنامه زمانبندی مشخصی را جهت واگذاری این نوع بنگاهها و بنگاههای وابسته به نهادهای مذهبی تا پایان سال ابلاغ نماید

منابع و ماخذ: منابع و ماخذ در صورت نیاز نزد انجمن می‌باشد.